



با نهایت تأسف با خبر شدیم که رفیق آیت گودرزی در ۲۰۲۲/۲/۸ بر اثر ابتلا به بیماری کرونا ما را ترک کرده است.



رفیق آیت گودرزی در یک خانواده سیاسی کارگری به دنیا آمد، از نوجوانی در جوشکاری مهارت یافت و برای تکمیل تخصص خود به آمریکا رفت و در آنجا به سازمان انقلابی پیوست. او پس از چند سال زندگی در آمریکا و شرکت در کورس‌های دانشگاهی بدون اخذ مدرک به ایران بازگشت.

این رفیق شوخ طبع و بسیار دوست داشتنی در ایران نیز به فعالیت کمونیستی خود ادامه داد. در جریان سرکوب و دستگیری کمونیست‌ها توسط جنایت کاران جمهوری اسلامی، او نیز در اصفهان به زندان افتاد. این رفیق هیچگاه به رفقای خود خیانت نکرد و راز آن‌ها را برملا ننمود. رفیق آیت پس از سه سال، آزاد گردید و در تاریخ فوق زندگی را بدرود گفت. ما به خانواده، دوستان و رفقای این رفیق ارزشمند تسلیت می‌گوییم و غم از دست رفتن او را به نیروی مبارزه علیه سرمایه‌داری حاکم در ایران تبدیل می‌نماییم.

در جهت وحدت جنبش

کمونیستی ایران برای ایجاد

حزب کمونیست بکوشیم

جنبش کمونیستی ایران که از 100 سال قبل در جامعه فعالانه حضور داشته و در مقاطع مشخصی به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است، چرا تا کنون نتوانسته به وحدت تئوری و عمل دست یافته و متحد شود؟ با وجود اینکه این جنبش پس از یک دوره ی طولانی و بغرنج، حزب کمونیست ایران را در حدود 90 سال قبل ایجاد کرد، در یک بزنگاه تعیین کننده ی تاریخی، حزب کاملاً متلاشی و نابود شد. علی‌رغم کوشش پیگیر بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی در این مدت طولانی جهت وحدت ولی هنوز پراکندگی ادامه دارد. این بدین معنی است که تحقق این خواست با موانع بزرگی روبرو بوده هستند. موانعی که ریشه‌های آنرا باید در

1- سرکوب بی امان کمونیست‌ها توسط رژیم‌های مستبد و فاشیستی حاکم بر ایران

2- یک دوره جدائی کامل از طبقه کارگر و سخت بودن پیوند دوباره با آن

3- و ناشی از آن، رخنه و گسترش شیوه تفکر خرده بورژوائی در جنبش کمونیستی

جستجو کرد.

سرکوب رژیم هیچ گاه عامل اصلی در پیوند جنبش کمونیستی با طبقه

کارگر و ایجاد حزب نبوده و نمی‌تواند باشد. اکثریت سازمان‌های کمونیستی می‌توانستند با در پیش گرفتن سیاست درست و مارکسیستی این دو معضل بزرگ را در شرایط سخت و خونین حل کنند. ولی چنین نشد.

علل این معضل فوق العاده بغرنج را باید اساساً در شیوه حل آن، در کل نیروهای جنبش کمونیستی جستجو کرد. شرایط مادی، سالهاست که این آمادگی را داشته و دارد. علت عدم وحدت در بن بست بودن راه وحدت نیست بلکه در شیوه تفکر و شیوه حل آن است.

به این دلیل علت را باید در جای دیگری جستجو کرد. این علت خود را در گستره کل جامعه ایران پهن کرده و اخلال به وجود می‌آورد: افسار خرده بورژوائی.

خرده بورژوائی ایران بعد از پرولتاریا پر تعدادترین است. خرده بورژوائی در کل به علت شرایط خاص اقتصادی‌اش و موقعیت متزلزل‌اش در جامعه و فشارها و تضعیقات از بالا توسط رژیم و خطر پرتاب شدن در ظرف پرولتاریا، بسیار دم دمی مزاج، متزلزل، خود خواه، دو رو و کاسب مسلک است. خرده بورژوا خود را مرکز عالم می‌پندارد و همه چیز را با منافع شخصی خود ارزیابی می‌کند. از پرولتاریا و کمونیسم به لحاظ

اقتصادی و شیوه تفکر بیزار است و با رژیم ایران نیز در تقابل.

در اثر سیاست‌های مخرب و فقرزای رژیم جمهوری اسلامی ایران، بخش‌های وسیع خرده بورژوائی مرتب در حال تجزیه شدن است و تحتانی‌ترین بخش‌های آن در ظرف پرولتاریا پرتاب می‌شود و تمام خصوصیات منحوس‌اش را درون این طبقه می‌پاشد. خرده بورژوا در درون جنبش کمونیستی، به “کمونیست نابی” تبدیل می‌شود که گام به گام و آرام آرام، تئوری‌های جهان شمول مارکسیسم را زیر سؤال میکشد، آن را کمرنگ می‌کند، انطباق آهین کمونیستی را چون موش می‌چود و به ویژه از انتقاد و انتقاد از خود نفرت خاصی دارد.

در این شرایط طبقاتی خواست وحدت به خودی خود، به وحدت نمی‌انجامد. نقد نظرات نادرست، کشف حقیقت از درون واقعیات، رشد شیوه تفکری که باید زمینه‌های تغییر انقلابی را در خدمت ایجاد حزب کمونیست ایران به وجود بیاورد، تنها با ایستادن بر مارکسیسم و نه لم دادن روی آن، دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک سیاسی خلاق و سازنده، و با بکاربرد ماتریالیسم دیالکتیک در تلفیق تئوری با شرایط مشخص، امکان پذیر است.

امروزه با وجود خواست عمیق وحت طلبی در بخش قابل توجهی از مجموعه جنبش کمونیستی، که در داخل و خارج از کشور وجود دارد،

پرولتاریای جهان متحد شوید!

جامعه سوسیالیستی جامعیهی است طبقاتی. از خصوصیات این جامعه در عرصه تفکر، تولید و بازتولید شیوه تفکر خرده بورژوائی است در مقابل شیوه تفکر پرولتری. انتقاد و انتقاد از خود موتور تکامل شیوه تفکر پرولتری و غلبه بر شیوه تفکر خرده بورژوائی است.

امروزه، شرایط مادی برای تحقق یک نظم اجتماعی پرولتری (سوسیالیسم) در ایران به بالاترین حد بلوغ خود رسیده است. تغییر اوضاع اسفباری کنونی در گروهی آمادگی شرایط ذهنی است و ما کلید حل آن را در وحدت جنبش کمونیستی جهت ایجاد حزب کمونیست ایران بر اساس ۶ نکته فوق میبینیم. جنبش کمونیستی ایران می‌تواند بر پایه این شش نکته که نکات پایه‌ای تلقی می‌گردند، وحدت کند و در جریان تداوم مبارزه ایدئولوژیک سیاسی خلاق و مثبت در متن تحولات جامعه، خود را استوارتر و قدرتمندتر در مقابل بورژوازی سازمان دهد.

ما با نگاهی وحدت طلبانه، با حرکت از نکات مشترک، برای وحدت در تئوری و عمل و با خواست عمیق شرکت در یک مبارزه خلاق ایدئولوژیک سیاسی، با فرهنگ پرولتری، راهپیمایی خود را در این مسیر آغاز کرده و با خواست کلیه نیروهای وحت طلب همراهیم.

فوریه ۲۰۲۲


حزب کمونیست راستین
ایران شکل سازمانی ایدئولوژی
پرولتاریاست

دیگری مرتجعانه و در بهترین حالت انحرافی و محکوم به شکست است.

4- مبارزه جهت برپائی دولت طبقه کارگر با مضمون دیکتاتوری پرولتری،

موفقیت در تضمین حفظ ساختمان سوسیالیسم، پس از انقلاب سوسیالیستی، در گرو ایجاد دولت دیکتاتوری پرولتاریا است.

انقلاب سوسیالیستی بدون ایجاد بلافاصله دولت دیکتاتوری پرولتاریا، بی شک محکوم به شکست است. اعمال دیکتاتوری بر اقلیت بورژوازی شکست خورده و وسیعترین دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان. دیکتاتوری پرولتاریا در ایران به نوبه خود شرایط را برای انقلاب جهانی کمونیستی فراهم می‌سازد.

5- مبارزه جهت اجتماعی کردن ابزار تولید در جریان انقلابی کردن نظام شورائی،

ابزار تولید در نظام سرمایه داری مبتنی بر مالکیت خصوصی، در دست سرمایه دار است. و هدف تولید، در این نظم اجتماعی، تولید برای کسب حداکثر سود است. در نظام سوسیالیستی هدف تولید، رفع نیازهای مادی و معنوی انسان مترقی و ایجاد شرایط مساعد اقتصادی جهت گذار به فاز بالای کمونیسم است. در نظام سوسیالیستی، ابزار تولید به نیروهای مولده انتقال یافته و لذا شکل اداره آن در پرتو هدایت دولت شوراها قرار خواهد گرفت.

6- دامن زدن بی وقفه به مبارزه ایدئولوژیک، در شکل انتقاد و انتقاد از خود، علیه تظاهرات ایدئولوژیک خرده بورژوازی به عنوان بزرگترین دشمن طبقاتی طبقه کارگر در درون طبقه.

هنوز نتوانسته است مشروعیت قابل توجهی در میان طبقه کارگر به دست آورند.

همه اینها درحالی است که اکثریت قابل توجهی از نیروی فعال جنبش کمونیستی، با توضیحات، استدلالات و اظهارات خود، نشان داده اند که راه برون رفت از این معضل را حداقل در حرف می‌شناسند.

ما درک خود را برای حل این معضل فوق العاده، در نکات زیر خلاصه کرده و از کلیه کمونیست‌های ایران می‌خواهیم که با درک و خرد نقادانه‌ی بدن بنگرند. ما معتقدیم، خرد نقاد زمینه وحدت را فراهم خواهد آورد.

1- پذیرش مارکسیسم به عنوان جهان بینی طبقه کارگر،

بدور از هر گونه کشف و اختراع اصطلاحات تئوریک من درآوردی، تئوری رهائی طبقه کارگر را، که توسط مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائو تسه دون جمع بندی شده اند، راهنمای عمل خود قرار دهیم.

2- مبارزه جهت سرنگونی قهرآمیز سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران،

به دور از هرگونه توهامات اصلاح طلبی و سازشکاری، سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی را در صدر برنامه خود قرار دهیم. رژیمی که در وابستگی کامل به کنسرنهای فراملی و با پشتیبانی مطلق آنان حیات تنگین خود را ادامه می دهد.

3- مبارزه جهت برپائی نظام سوسیالیستی بلافاصله بعد از فرو پاشی دولت و نظام سرمایه داری ایران،

بدیل جامعه سرمایه داری، استقرار سوسیالیسم است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. هر آلترناتیو

اوکراین در چنگال تضادهای امپریالیستی

اوکراین کشوری است در اروپای شرقی به وسعت ۶۰۳۷۰۰ کیلومتر مربع و ۴۴۱۳۵۰۰۰ نفر جمعیت. این کشور در جنوب غربی روسیه قرار دارد. معادن (۸۰۰ معدن) سرشار و گاهای نایب از قبیل آهن، منگنز، زغال سنگ، جیوه، نیکل و تیتانیوم، خاک سیاه بسیار حاصلخیز و قرار گرفتن در یک منطقه استراتژیک باعث گردیده است که بعد از جنگ جهانی دوم، و به ویژه پس از جدا شدن بسیاری از کشورهای اروپای شرقی از شوروی سابق، ابرقدرت‌ها بر سر حاکمیت بر این کشور به جدالی بی پایان رو آوردند. علاوه بر آن ۱۶٪ از گاز مورد احتیاج سالیانه اروپا (۲۵ کشور) که از روسیه گاز خریداری می‌شود توسط لوله‌های گاز رسانی، از اوکراین می‌گذرد. لذا حاکمیت بر اوکراین و تضمین امنیت انرژی برای این کشورها از اهمیت درجه اول برخوردار است.

کیف، پایتخت اوکراین در ۶۰۰ کیلومتری مسکو قرار دارد. لذا حاکمیت غرب به ویژه آمریکا بر اوکراین، امنیت روسیه را به طور کامل زیر سؤال می‌برد.

بر مبنای این واقعیات، اوکراین از مدت‌ها قبل به یکی از مراکز گرهی تضادهای امپریالیستی تبدیل شده است.

مبارزات مردم زحمتکش اوکراین علیه تجاوز ۷ کشور امپریالیستی به خاک اتحاد جماهیر شوروی تازه تأسیس شده، هنوز هم در صفحه تاریخ جهان می‌درخشد. زحمتکشان این کشور بسیار غنی، در فقر به سر می‌برند و رهائی آن‌ها از مصائب داخلی و بین‌المللی با سرنوشت کلیه زحمتکشان جهان برای آزادی گره خورده است.

نوشته زیر کوششی است در تحلیل اوضاع مشخص فعلی منطقه و بررسی گام‌های اولیه پیش رو.

برای رسیدن و یا نزدیک شدن به واقعیت و چگونگی حرکت تضادهای موجود، ضروریست، شرایط و امکانات هر قطب تضاد را بررسی کنیم:

آمریکا:

سیاست‌های خارجی آمریکا، همانند هر کشور دیگری، از وضعیت اقتصادی - سیاسی درونی آن نشأت می‌گیرد.

آمریکا با ۲۸ هزار میلیارد دلار قرض دولتی، مقروض‌ترین کشور دنیاست. سهم بالائی از بودجه آمریکا طی سالیان متوالی تا به امروز، بی‌پشتوانه بوده و توسط استقراض تأمین می‌گردیده و می‌گردد:

کسر بودجه آمریکا در ۲۰۱۹ حدود ۹۸۴ میلیارد دلار بالغ می‌شد با این وجود بودجه نظامی آن نسبت به سال قبل تا ۷۳۱ میلیارد افزایش یافت^۱. بودجه ۲۰۲۰ آمریکا ۴,۷ هزار میلیارد دلار بود. کسری بودجه آمریکا در همین سال به ۱/۱ هزار میلیارد دلار رسید و بودجه نظامی تا ۷۳۸ میلیارد^۲ دلار بالا رفت.

بودجه سال ۲۰۲۲ آمریکا ۶ هزار میلیارد دلار با کسری ۱۸۰۰ میلیارد دلاری^۳ (۳۰٪ بودجه) تقدیم مجلس سنا شد.

بودجه نظامی ۷۶۸ میلیارد دلاری سال ۲۰۲۲ آمریکا چنین تنظیم شده است:

«لایحه نظامی آمریکا شامل افزایش ۲.۷ درصدی دستمزد برای سربازان، و خرید هواپیماها و کشتی

های و همچنین استراتژی‌های مقابله با کشورهایی چون روسیه و چین است.

این بودجه شامل ۳۰۰ میلیون دلار برای کمک امنیتی به اوکراین و حمایت از نیروهای امنیتی این کشور و همچنین ۴ میلیارد دلار برای طرح دفاعی اروپا و ۱۵۰ میلیون دلار برای همکاری امنیتی بالتیک است.

بودجه در نظر گرفته شده برای مقابله با چین شامل ۷.۱ میلیارد دلار طرح بازدارندگی اقیانوس آرام و بیانیه حمایت‌کننده از دفاع از تایوان، و همچنین ممنوعیت وزارت دفاع آمریکا از خرید محصولات تولید شده در چین است (دنیای اقتصاد - شماره روزنامه ۵۳۷۶)

چنان که ملاحظه می‌شود قدرت تسلیحاتی آمریکا تهاجمی است و نه دفاعی. قدرت دفاعی آمریکا از خودش با قدرت تهاجمی‌اش به خارج نسبت عکس دارد. آمریکا دارای بیش از ۱۰۰۰ پایگاه در نقاط مختلف جهان است که در هر روز بیش از یک میلیارد دلار از قدرت اقتصادی آمریکا را می‌بلعد. سلاح‌های آن‌ها بیشتر و اساساً تهاجمی هستند و قدرت دفاعی آن‌ها بسیار ضعیف است.

قدرت تهاجمی آمریکا نیز به علت ورشکستگی اقتصادش، نارسائی‌های اجتماعی و مقاومت و مبارزه بسیار گسترده مردم زحمتکش این کشور علیه سیاست‌های مخرب داخلی و خارجی، کارائی درخور ظاهر رعب‌انگیز نظامی‌اش نیست.

به بهمین جهت آمریکا سعی دارد که در تهاجم بین‌المللی خود کشورهای بیشتری از ناتو را وارد میدان کند.

در چنین وضعیتی است که محموله‌های نظامی ۹۰ تنی آمریکا وارد اوکراین می‌شود، ۸۵۰۰

۱- رادیو فردا - ۰۸/اردیبهشت/۱۳۹۹

۲- تسنیم - ۰۲ دی ۱۳۹۸

۳- DW - قرائت در 27.1.2022

غربی به علت منافع مادی که در مناسبات با روسیه دارد و شرایط مساعدی که در سرمایه گذاری در آمریکا برایش فراهم است موضعی کاملاً متزلزل دارد و در عین حال بر سر چگونگی برخورد با روسیه مواضع متفاوتی دارند. علاوه بر آن کشورهای اتحادیه اروپا بر سر مسائل بسیاری از قبیل تعداد و چگونگی پایگاه‌های آمریکائی در کشورشان و یا تحریم‌هایی که از جانب آمریکا علیه آن‌ها اعمال گشته است تضادهای حاد و حل نشدنی با آمریکا دارند.

چین:

اقتصاد چین در سطح بین‌المللی شکوفاترین و پر رشدترین اقتصاد جهان است. چین به لحاظ اقتصادی در تهاجمی همه جانبه بر بازارهای تحت سیطره آمریکاست. چین خطرناکترین رقیب امپریالیستی امپریالیسم آمریکاست و به لحاظ قدرت نظامی دریائی به مراتب از آمریکا برتر است.

چین و روسیه در اوضاع کنونی در مقابل آمریکا در کنار هم ایستاده‌اند ولی هر دوی آن‌ها جزو سه ابر قدرت برتر جهانی هستند و در

موضوع	روسیه	آمریکا
تانک	۱۳۰۰۰ فروند	۶۱۰۰ فروند
سامانه موشکی	۳۸۶۰ فروند	۱۳۶۵ فروند
پرسنل نظامی فعال و آماده	۱۰۱۴۰۰۰ نفر	۱۴۰۰۰۰۰ نفر

بسیاری از زمینه‌ها تضادهای مهمی دارند. چین به ویژه بر سر مسأله اوکراین به طور روشن از درخواست‌های روسیه دفاع می‌کند

آن تهاجم هوائی گسترده آمریکا به عراق و افغانستان و سرنوشت نیروی زمینی آن در این دو کشور است.

کشورهای عضو ناتو در کنار روسیه (استونی، لیتونی، لیتوانی، لهستان، چک، اسلواکی، مجارستان، رمانی، اسلونی، کرواسی، مونته‌نگرو، آلبانی، مقدونیه شمالی و بلغارستان) غیر فعالند ولی روسیه به لحاظ منطقه‌ای در اطراف اوکراین حضور دارد. با ۱۱۰ هزار نیروی



مسلح، اطراف آن را پوشش داده و با ۶۰ هزار نیروی نظامی و ۶۰ هواپیمای جنگی مانور بزرگ خود را در کریمه و مرزهای اوکراین برگزار کرده است. ولی کشورهای فعال ناتو مثل آلمان باید از راه دور بیایند و در منطقه‌ای تقریباً ناشناخته به لحاظ تاکتیکی پیاده شوند. از این گذشته سرمایه‌داری روسیه برای موجودیت و امنیت خود می‌جنگد و مصمم است از ورود اوکراین به ناتو جلوگیری کند ولی سرمایه‌داری آمریکا برای کسب بازار وسیعتر به آن جا می‌آید و می‌خواهد در امور روسیه اخلال به وجود آورد.

در نتیجه روسیه هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ نیروی زمینی و موقعیت و شرایطی منطقه‌ای و روحی که در آن می‌جنگد، برتری دارد.

فاکتورهای دیگری نیز که در این مناسبت حائز اهمیت بسیار می‌باشد، چین و اروپای غربی‌ست. اروپای

سرباز آمریکائی آماده عملیات در اوکراین می‌گردند و آلمان در پشتیبانی از تهاجم آمریکا، آمادگی خود را در گسیل ۵۰۰۰ سرباز به میدان اعلام می‌دارد. در این روزها تعدادی از سربازان آمریکائی نیز به صورت گروه‌های مجزا با هدف اوکراین وارد آلمان می‌شوند.

روسیه:

روسیه همانند چین به علت خصلت و ماهیت سرمایه‌دارانه خود، ذاتاً متهاجم است ولی اکنون این دو ابر قدرت به علت قرار گرفتن در مقابل یک حریف غول آسای متهاجم، به لحاظ سیاسی - نظامی حالت دفاعی به خود گرفته‌اند.

بودجه روسیه برای سال ۲۰۲۲ برابر با ۲۸۰ میلیارد دلار است. هزینه‌ها در این سال عبارت است از ۲۹۷ میلیارد دلار^۴. در نتیجه کسر بودجه روسیه در این سال ۱۷ میلیارد دلار می‌باشد

بودجه دفاعی روسیه برای این سال عبارت است از ۴۱,۵ میلیارد دلار یعنی ۹ میلیارد دلار کمتر از سال پیش تعیین شده است

با وجود این که بودجه نظامی روسیه

۱۸,۵ مرتبه از بودجه نظامی آمریکا کمتر است، اما پراکنده نیست و در خودش و اطرافش متمرکز است و پایگاه‌های دور از کشور آن بسیار اندک هستند. ولی آمریکا بیش از این نسبت در دنیا پراکنده است. در عین حال نیروی زمینی روسیه بزرگترین و قدرتمندترین نیروی زمینی دنیاست. در جنگ‌ها در تحلیل نهائی نیروی زمینی تعیین کننده است. نمونه بارز

۴ - خبرگزاری تسنیم به نقل از خبرگزاری تاس - ۱۹ آذر ۱۳۹۹

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با
سازماندهی هسته‌های مخفی به ما

مبارزات معلمان و موضع جمهوری اسلامی نسبت به

دانش

آموزش و پرورش در ایران در تنگناهای ایدئولوژیک - سیاسی و امنیتی بورژوازی مذهبی، وضعیت مصیبت باری را از سر میگذراند که ناشی از آن، وضعیت شعلی، شرایط معیشتی، اجتماعی و امنیتی معلمان نیز از تهاجم فساد گسیخته دولت حاکم در امان نیست.

برای درک کامل ایدئولوژی حاکمین نسبت به آموزش و دانش، گفتارهایی را از رهبر فکری نظام جمهوری اسلامی می‌آوریم:

خمینی با زیرکی خاصی یکی از خطرهای بالفعل علیه جمهوری اسلامی را علمی شدن افکار مردم می‌دانست و مرتب به دولت مردان چنین هشدار می‌داد: «خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه‌یی بالاتر است. هر چه فساد در این مملکت پیدا شد از آن اشخاصی بود که در دانشگاه تحصیل کرده بودند... هر چه متخصص‌تر بدتر. دانشگاه بدترین مرکزی است که ما را به تباهی می‌کشد.» منظورش این است که علم وقتی توده‌یی گردد، رژیم جمهوری اسلامی را به نابودی می‌کشاند. او این را از خودش نگفت، از استاد تاریخی‌اش آموخته بود. هیتلر نوشته بود: «هر چه تبلیغات در سطح علمی پائین‌تر و به احساس توده‌ها نزدیک‌تر باشد، به همان نسبت موفقیت‌اش همه جانبه‌تر است.» (آدلف هیتلر - «مبارزه من» - صفحه ۱۹۸ کتاب آلمانی)

ولی وارد درگیری نهائی نخواهند شد. کشورهای به مانند فرانسه به صورت میانجی وارد میدان خواهند گردید و مسئله کنونی با نشست‌هایی طولانی و خسته کننده برای مردم جهان فروکش خواهد کرد. مسأله اوکراین برای آمریکا، اروپا، روسیه و چین هیچگاه حل نخواهد شد. ولی آن‌ها با انگیزه اوکراین و

سرو صدای جنگ جهانی سوم بر سر آن، میلیاردها دلار اسلحه به کشورهای دیگر خواهند فروخت تا آن‌ها بتوانند «امنیت» خود را «تضمین» کنند و کارخانجات بین‌المللی سازنده اسلحه میلیاردها دلار حاصل کار و تولید زحمتکشان جهان را به یغما خواهند برد.

درگیری و تخاصم دولت‌ها و یا اتحاد آن‌ها بر سر مسأله اوکراین، درگیری، تخاصم و اتحادی است ارتجاعی، سوجدویانه و مخرب که بر علیه منافع توده‌های زحمتکش جهان عمل می‌کند. اما در اوضاع فعلی بین‌المللی و به لحاظ حقوق تعیین شده‌ی کشورها، اقدامات آمریکا و برخی از کشورهای اروپائی در جهت ایزوله کردن و تکه تکه کردن و نزدیک شدن به مرکز روسیه یعنی مسکو و به مخاطره افکندن آشکار امنیت روسیه است. لذا از هیچ حقانیت بین‌المللی‌یی برخوردار نیست. معضل اوکراین هیچگاه با بند و بست قدرت‌های امپریالیستی و یا درگیری‌های کوتاه و یا بلند مدت آن‌ها حل نخواهد شد.

معضل اوکراین، در جریان انقلاب ضد سرمایه‌داری برای استقرار سوسیالیسم، با برخورداری از پشتیبانی بی دریغ کارگران و زحمتکشان در سطح بین‌المللی حل خواهد شد.

ولی موافق حمله روسیه به اوکراین نیست.

آمریکا، چین و روسیه سه کشوری هستند که در عین رقابت مرگبار جهت کسب بازارها و نیروی تولیدی جهان، به هم محتاجند. اگر روسیه در میدان نباشد، تضاد آمریکا و چین به جنگ جهانی منتهی می‌گردد و اگر آمریکا در بین نباشد، تضاد چین و روسیه به شدت حاد می‌گردد و همین طور است که اگر چین در صحنه نباشد تعادل این دو ابر قدرت به هم می‌خورد و جهان را به ورطه جنگ عمومی میکشاند. در عین حال هر سه این ابر قدرت‌ها در مقابل «هیولای» عظیمی به وسعت جهان به نام طبقه کارگر و انقلاب کارگری قرار دارند.

فقط با درک این تضادهای غیر دیالکتیکی و ناموزونی و بی ثباتی تعادلی که بین این سه ابر قدرت حاکم است می‌توانیم وضعیت کنونی و گام بعدی آینده اوکراین را درک کنیم.

آمریکا به هیچ وجه قادر و مایل نیست به یک جنگ فرسایشی طولانی وارد شود زیرا کاملاً و سریع فرسوده می‌گردد و چین آن را به لحاظ اقتصادی و سیاسی از پا در می‌آورد. روسیه نیز مایل به درگیری نهائی با آمریکا نیست. زیرا در صورت تضعیف کامل آمریکا، دیگر نمی‌تواند در بین تضاد آمریکا و چین مانور دهد و شرایط مساعدی را برای رشد اقتصاد خود فراهم کند. و همین طور است موضع چین نسبت به دو ابر قدرت دیگر.

اکنون جدالی پر سر و صدا و مرعوب کننده بر سر حاکمیت بر اوکراین بین آمریکا و روسیه درگرفته است. آن‌ها سعی خواهند کرد با اجرای مانورهای رقیب را بترسانند، مجبور به عقب نشینی کنند و امتیازات مهمی را به دست آورند

البته خمینی در ضمن هم گفت که دانشگاه اسلامی که دانشمندان ویژه در خدمت اهداف حاکمین، تربیت کند، ضروریست.

از آن تاریخ تا کنون با صرف هزاران میلیارد تومان، سعی گردیده که اکثر مردم به ویژه زحمتکشان را در تار و پود خرافات بپیچانند و برای اقلیت ناچیزی تمام امکانات آموزشی را جهت تربیت روشنفکران خود فروخته به کار بندند. البته بورژوازی تمام کشورها دارای چنین دید و سیاستیست. بورژوازی آمریکاعلم را برای ساختن بمب اتم و ریختن آن بر سر اهالی هیروشیما و ناکازاکی در ژاپن لازم دارد و جمهوری اسلامی برای ساختن بمب اتم و موشک و انواع و اقسام ابزار مدرن شکنجه سیستم آموزشی که به این اهداف خدمت نکند از طرف حاکمین طرد می‌گردد. عاملینش (معلمین) سرکوب و تحت پیگرد قرار می‌گیرند. این ایدئولوژی در تمام طول تاریخ حاکمیت دولت جمهوری اسلامی تا کنون اعمال گشته و می‌گردد.

رئیس، رئیس جمهور ایران، در روز شنبه در آئین آغاز رسمی سال تحصیلی ۱۴۰۱ مدارس کشور ظاهراً گفتاری دارد در تضاد با مواضع خمینی. او گفت:

مدرسه جایگاهی مقدس و محل اندیشه‌ورزی است... همه دستگاه‌ها و نهادها باید به آموزش و پرورش کمک کنند و در خدمت آن باشند... هیچ کس نباید به علت فقر از آموزش باز بماند... یاد دانش آموز عزیز... علی لندی را گرامی میدارم... که دانش آموخته مکتب ایثار و شهادت است...»

این گفتار عام چیزی جز عوام فریبی نیست. اقدامات عملی این رئیس جمهور در مورد آموزش و پرورش و کادر آموزش و پرورش همان اقدامات عملی پیش کسوتان اوست

فداکاری علی لندی نوجوان نیز ربطی به سیستم آموزشی حاکم در ایران ندارد.

ناشی از این ایدئولوژی مخرب و دانش ستیز برای توده مردم، معیشت، کار و شرایط اجتماعی معلمان در این چهار دهه، نه تنها بحرانی‌تر و نا امن تر گشته بلکه دیگر قابل تحمل برای زندگی نیست.

معلمان همچون پدران ارگانیک کودکان و دانش جویان، پدران فکری و آموزشی آنان‌اند و همانند اکثر آن‌ها جزوی از طبقه کارگر و تحت انواع فشارها و ستم‌های رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند.

مبارزه این کارگران فکری تاریخی چند ده ساله دارد. این جنبش از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ که برای افزایش حقوق و مزایا برگزار شد و با حمله پلیس و نیروهای امنیتی رژیم پهلوی تعدادی از افراد آن کشته و زخمی و دستگیر شدند تا شرکت وسیع معلمین در جنبش سال ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ گام به گام پالایش یافته است.

به درخواست شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، پنجمین موج اعتراضی معلمین از چهار سال پیش تا کنون از شنبه ۹ بهمن تا روز دو شنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۰ در بیش از ۲۰۰ شهر ایران به صورت اعتصاب سرتاسری معلمان با شرکت ده‌ها هزار معلم در خیابان‌ها و تجمعات مختلف برگزار شد که با پشتیبانی وسیع مردم به ویژه دانش آموزان مدارس همراه گردید. این اعتصابات روز به طول انجامید که در سازماندهی و رادیکالیزه کردن و تداوم آن زنان معلم نقش اساسی و برجسته‌ای داشتند.

خواست معلمان عبارت است از:

- 1- شناسائی حق اعتصاب، تجمع و تشکل.
- 2- اجرای طرح رتبه بندی
- 3- قانون همسان سازی حقوق

- 4- آزادی معلمان زندانی
- 5- آموزش رایگان برای همه
- 6- پایان دادن به خصوصی سازی حوزه آموزش
- 7- بیمه کارآمد فرهنگیان شاغل و بازنشسته
- 8- رفع هر گونه تبعیض (قومی، جنسیتی، مذهبی و طبقاتی) از ساختار نظام آموزشی
- 9- ایجاد امنیت شغلی نیروهای حق التدریس

این‌ها خواست‌های اساسی بود که توسط شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه‌های مختلف و در اعتصابات به صورت شعارها و یا در سخنرانی‌ها درخواستی طرح گردیده است. در خواست‌های فوق چند مؤلفه را روشن می‌سازد

1- بخشی از درخواست معلمان ایران صنفی و معیشتی است. به بیان دیگر بخشی از این درخواست‌ها برای ادامه حیات، ادامه توانائی در خدمت به دانش آموزان و توانائی ادامه نسل‌های آینده است. این درخواست‌ها عمیقاً با منافع بخش‌های دیگر کارگری ایران در هم تنیده شده است. لذا هر گونه اتهام صنفی‌گری و مبارزه برای نان و گوشت به این جنبش، یا از نفهمیدن محتوای پیشروی آن است و یا از درک اپورتونیستی و حرف‌های گنده زدن برای خالی کردن زیر پای این جنبش. در عین حال باید یاد آور شد که در رژیم جمهوری اسلامی، هر گونه اعتراض صنفی خلص علیه حاکمین و ایجاد هر تشکل و سندیکای مستقل خارج از کنترل دستگاه‌های رژیم جمهوری اسلامی گامی به پیش در ایجاد وحدت بزرگ طبقه کارگر ایران است. در عین این که کمونیست‌ها با سندیکالیسم در تضاد هستند ولی در شرایط امروز کمونیست‌ها به هر سازمان و گروه کارگری غیر وابسته خوش آمد می‌گویند. در شرایط امروز ایران اداره شورائی را معیار مترقی و عقب ماندگی قرار دادن

سوسیالیستی تحقق خواهد یافت. برای پیروزی آن ساختار باید متحد و متشکل شوند.

اکنون ایران در شرایطی به سر می‌برد که حاکمین‌اش نمی‌توانند با شرایط موجود حاکمیت کنند و زحمتکشان‌اش نمی‌توانند با حاکمیت کنونی زندگی کنند. شرایط انقلابی در ایران کاملاً فراهم است ولی رهبران سازمان‌های کمونیستی بیش از تفکر و راه جویی برای آزادی طبقه کارگر، در فکر تابولی سازمان خود هستند. آیا پرولتاریای ایران این رهبران را خواهد بخشید؟؟؟

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

هسته‌های مخفی کارگری را سازمان دهید!

و با نظم کمونیستی در «نظم کمونیستی» متشکل شوید!

با چه ایدئولوژی، سیاست و نرم‌های سازمانی باید متشکل شد؟

۱- به لحاظ ایدئولوژیک:

طبقه کارگر ایران بخشی از یک طبقه واحد جهانی است. امر والای این طبقه یعنی سازماندهی مبارزه قهر آمیز در همبستگی با دیگر زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی جهت درهم کوبیدن ساختار و دولت بورژوازی فاسد ایران، برپایی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا در همکاری با هیچ قشری از بورژوازی ممکن نیست.

برپایی سوسیالیسم فقط امر طبقه کارگر است که در آن ساختار اجتماعی علاوه بر طبقه کارگر، کلیه زحمتکشان ستم دیده نیز به آزادی و بهروزی و رفاه میرسند، طبیعت نیر از قید استعمار انسان آزاد می‌گردد و شرایط در سطح بین‌المللی جهت برپایی کمونیسم جهانی آماده‌تر می‌گردد. طبقه کارگر برای سازماندهی موفقیت آمیز جهت تحقق استراتژی بلند مدت‌اش ضرورتاً

بر مبنای چنین خصلت و ماهیت پیشرو و مترقی است که این مبارزات، اساساً بخشی مترقی از مبارزات طبقاتی کارگران محسوب می‌شود و از پشتیبانی بی دریغ کارگران یدی و دانش آموزان طبقات فرو دست، برخوردار گردیده است. پارلمان رژیم جمهوری اسلامی همان طور که از پیش معلوم بود و بر مبنای ایدئولوژی حاکم بر رژیم، با درخواست معلمان ایران مخالفت کرد. طرح هائی را برای ماست مالی کردن قضایا و گول زدن معلمان روی میز قرار داد که محتوای ارتجاعی آن‌ها اظهر من الشمس است و کلی به آن وقعی نمی‌گذارد.

در طول چهار دهه حاکمیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، جنبش معلمان مراحل تکاملی ارزنده‌ای را طی کرده است. بجز اندک معلم‌هائی که هنوز تاکتیکی لازم می‌دانند در صحبت‌هایشان بگویند «نیروهای امنیتی، نیروهای اطلاعاتی شما برادران ما هستید، عزیزان ما هستید، شاگردان ما بودید ما با زبان مدنیت با شما صحبت می‌کنیم»، کل این قشر از طبقه کارگر در تجربه چهار دهه در ساختار سرمایه‌داری - مذهبی جمهوری اسلامی تقابل و مبارزه با نیروهای امنیتی و اطلاعاتی را آموخته و از درخواست‌های فقط صنفی به درخواست‌های صنفی، دمکراتیک و طبقاتی تکامل یافته و از مبارزه‌ی فقط معلمان و منفرد از بخش‌های دیگر طبقه کارگر به مبارزه طبقاتی همسو با بخش‌های دیگر این طبقه گسترده شده است. در روزهای اعتصاب و اعتراض گسترده معلمان بسیاری از کارگران کارخانجات ایران در اعتصاب و تظاهرات بودند.

رژیم جمهوری اسلامی مایل و قادر به برآوردن کوچکترین خواست اساسی معلمان نخواهد بود. این رژیم همان طور که در ابتدای این نوشته آورده شد، دشمن خونی آموزش و آموزگاران پیشرو و مترقی است. خواست‌های معلمان به عنوان کارگران فکری جامعه در ساختار

و سازمان‌ها و گروه‌های کارگری مستقل را که هنوز خود را در غالب شورا متشکل نکرده‌اند، با برچسب «عقب مانده» و «به لحاظ تاریخی گذشته» برچسب زدن، عملی است ارتجاعی و شیوه‌ایست تروتسکیستی. تروتسکیست‌ها مرتب کارگر کارگر می‌کنند ولی با نفی اکثریت این جنبش آن را تضعیف می‌نمایند.

2- ما محتوای پیشروی این

درخواست‌ها را نه با نام تشکل معلمان که اولین کلمه «شورا» شروع می‌شود، که اتفاقاً نامی است منطبق با نوع تشکل یابی آن‌ها، بلکه از رابطه درخواست‌ها با مبارزه طبقاتی کارگران، در می‌یابیم. این ادعا که چون نام آن‌ها با شورا شروع می‌شود پس مبارزه آن‌ها صنفی و سندیکالیستی نیست بلکه طبقاتی است، یک درک پوپولیستی - تروتسکیستی از این مبارزه را نشان می‌دهد.

نام یک اتحاد می‌تواند با شورا آغاز گردد ولی کاملاً صنفی گرا و سندیکالیستی باشد. نام یک تشکل می‌تواند با شورا آغاز نگردد ولی صنفی‌گرا و سندیکالیستی نباشد. در عین حال هر خواست صنفی نیز یک درخواست طبقاتی است. بستگی به ماهیت آن درخواست صنفی دارد.

3- یکی از این درخواست‌ها رفع

تبعیض جنسیتی، طبقاتی، مذهبی و قومی است. این درخواست در عین این که معیشتی هستند گامی فراتر نهاده‌اند. همین گونه است، آزادی معلم زندانی، آموزش رایگان برای همه. این درخواست اساساً کودکان و دانش‌آموزان کارگران یدی را هدف می‌گیرد و در خدمت آن‌ها است. درخواست شناسائی حق اعتصاب، تجمع و تشکل و امنیت شغلی به معنای ایجاد یک فضای دمکراتیک برای بارور کردن استعداد کودکان و دانش پژوهان از طبقات فرو دست جامعه است.

میبايست با تظاهرات ایدئولوژیک بورژوازی در صفوف خود که امروزه به صور زیر ظاهر گردیده است، مبارزه‌ی مرگ و زندگی را سازمان دهد.

۱- ناسیونالیسم

۲- تروتسکیسم: تروتسکیست‌های علنی و تروتسکیست‌های مخفی.

۳- ضد کمونیسم عیان: مثل تبلیغات ضد کمونیستی خانه کارگر، جریانات منحرفی که وجود ایدئولوژی پرولتری را نفی میکنند و آزادی از ایدئولوژی را تبلیغ مینمایند از قبیل بخشی از تروتسکیست‌ها.

۴- جریانات ضد کمونیستی که در پوشش مبارزه علیه رژیم آخوندی خود را مخفی کرده است.

اینها گرایشات بسیار خطرناک ایدئولوژی بورژوازی در درون طبقه کارگر هستند که مثل موربانه درخت تناور طبقه کارگر را از درون می‌جوند و آن را به ضعف و نابودی می‌کشانند.

بدون مبارزه دائم با این گرایشات فاسد بورژوازی، طبقه کارگر نمیتواند به صورت یک طبقه پیشرو در جنبش عمومی زحمتکشان به نقش تاریخی خود عمل نماید. این راهی است پر سنگلاخ، پر پیچ و خم و طولانی. ولی طبقه کارگر میتواند این راه را طی نماید زیرا نظم کارخانه، کارگران را برای پیمودن این راه منضبط کرده است. ستم رژیم سرمایه‌داری، کارگران را برای مقابله با این راه پر سنگلاخ آماده نموده است و از هیچ هزینه‌ای نمی‌هراسد. در عین حال کار مادام العمر، این طبقه را برای پیمودن راه طولانی مجهز ساخته است. هر چه آگاهی کمونیستی کارگران از نقش تاریخی خود و خطرات این سموم مهلک بالاتر رود، به همان نسبت سریعتر، قاطعتر و کوبنده‌تر ساختار نظام سرمایه‌داری را ویران خواهند کرد.

۲- به لحاظ سیاسی:

عمده ترین جریانات سیاسی مخرب که از درون وحدت طبقه کارگر و جنبش کارگری را از هم میپاشد، عبارتند از:

الف- خطی که کارگران را مجبور به نشستن پای میز مذاکره با دولتمردان می‌کند و راه نجات از وضعیت دردناک کارگران را در به رحم آوردن دل دولتمردان می‌بیند. ما تظاهر این خطر را در حرکات بعضی کارگران در جنبش کارگری هفت تپه و هیکوی اراک می‌توانیم به روشنی مشاهده کنیم.

ب- گرایشی که در عین تشویق کارگران به مبارزه خیابانی ولی از رایکالیزه شدن شعارهای کارگری در تجمعات و در خیابان میترسد و آن را خفه میکند. این گرایش مخفی را بیشتر حکمتیست‌ها و تروتسکیست‌های علنی نمایندگی می‌کنند.

در تقابل با این گرایشات خطرناک، گرایشی وجود دارد که سعی می‌کند با تشویق شعارهای رادیکال کارگری در تجمعات و مبارزات خیابانی، آگاهی این طبقه را تکامل دهد. این خط عمیقاً خواهان تکامل روز افزون آگاهی طبقه کارگر در دفاع ایدئولوژیک طبقاتی خود، گسترش مبارزه متشکل این طبقه و سازمانیابی لینی آن است.

۳- به لحاظ سازمانی:

در جنبش کارگری ایران دو گرایش در سازمان یابی طبقه کارگر در مقابل هم ایستاده‌اند:

۱- گرایشی که معتقد است طبقه کارگر باید برای ایجاد تشکلات مستقل و علنی خود مبارزه کند. مثل مبارزه برای ایجاد شوراهای کارگری، سندیکاهای مستقل کارگری و محافل آزاد کارگری. این گرایش، هر تشکل مستقل کارگری را در این برهه از تاریخ ایران به نفع سازماندهی سراسری طبقه کارگر ارزیابی میکند. ولی کاملاً ضروری و حتی حیاتی است که در سندیکا و محافل کارگری نیز با گرایش سندیکالیستی و رفرمیستی مبارزه شود.

۲- گرایشی که معتقد است که چون بخشی از کارگران هفت تپه شعار اداره شورائی را به پیش کشیده‌اند، از این تاریخ ایجاد سندیکا و محافل علنی کارگری یک انحراف سندیکالیستی

به شمار میرود. این گرایش اساساً قادر نیست که ناهمگونی شرایط تولید در ایران و ناشی از آن ناهمگونی شرایط کارگران در بخشهای مختلف تولید، ناهمگونی آگاهی در این بخش‌ها را درک کند. یک نسخه می‌پیچد که هم برای هر نوع کچلی خوب است، هم برای سرطان و هم دید چشم.

نظم کمونیستی با اعتماد عمیق به تجارب بیش از صد و پنجاه سال طبقه کارگر ایران و در سطح بین‌المللی که به صورت تئوری‌ها و جمع‌بندی‌های جهان شمول مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائو تسهدون تدوین گشته‌اند، با حرکت از ماتریالیسم دیالکتیک در بررسی اوضاع جهان و ایران، با اعمال نرمهای خدشه ناپذیر لنین در ساختمان تشکلات، فعالیت خود را آغاز نموده و تا کنون ادامه داده است.

ما با حرکت از دستاوردهای تئوریک رهبران نام برده، با به کارگیری ماتریالیسم دیالکتیک، لحظه‌ای انتقاد و انتقاد از خود را در تکامل مبارزه خود در خدمت به طبقه کارگر و اهداف استراییک والای آن، رها نخواهیم کرد. به قول رفیق مائو تسهدون: محکم به دست نگرافتن، همان به دست نگرافتن است. ما این نرم‌ها را محکم به دست گرفته‌ایم و برای ادامه آن تعهد پرولتری داریم.

ما از کارگران آگاه، فعال و پیشرو می‌طلبیم، با تشکل در “نظم کمونیستی”، برای وحدت و انسجام طبقه کارگر و جنبش کارگری علیه جریانات انحرافی خرده بورژوازی در درون طبقه، بالاترین تلاش و کوشش خود را به ثمر رسانند.

از نظر ما اولین اقدام در متشکل شدن در “نظم کمونیستی”، ایجاد سلول‌های کارگری مخفی کمونیستی با خط مشی نظم کمونیستی است.

شما میتوانید اساسنامه ما را در سایت نظم کمونیستی مطالعه کنید:



کارگران سکوت نمی‌کنند.

29.1.2022

نامه‌ای از یک رفیق کارگر در ایران آیا کارگرانی که حقوق آنها نادیده گرفته میشود، تا ابد سکوت میکنند؟! آواتودی/کارخانه سیمان آبیک نظرآباد قزوین به آتش کشیده شد. تاکنون از تلفات و خسارات احتمالی آتش سوزی گزارشی منتشر نشده است. دلیل این آتش سوزی هنوز روشن نیست ولی کارگران این کارخانه ناراضی هستند و بنظر میرسد از این به بعد کارگرانی که حقوق خود را دریافت نمیکنند، تلافی حق خود را از کارفرمایان حکومتی، اینگونه میگیرند.

رفیق ... عزیز

در مورد جنبش کارگری باید گفت در شرایط بسیار حاد بیکاری و گسترش هرچه بیشتر فقر و گرانی بی امان مبارزات کارگران در عرصه های گوناگون تولید اوج کاملا متفاوتی را آغاز کرده است.

یکی از ویژگی های کنونی پیوند هرچه بیشتر مبارزات. کارگران یدی وفکری می‌باشد. که نشان دهنده آغاز وحدت و بالا رفتن سطح شناخت مبارزاتی و درک لزوم هرچه بیشتر توده های کار گرو زحمت کش می‌باشد مورد دیگر ارتقاء کیفیت و سطح مبارزات است که کم کم از حالت صرفا تحصن اعتصاب در حال در آمدن و شکل قهر و خشونت آمیز بخود گرفتن است در بالا یکی از نمونه های بارز آنرا مشاهده میکنید نکته ی بسیار قابل اهمیت فوق‌العاده‌ای. که قابل توجه است.

اعتراضات عمومی مردم در هر کوی و برزن است مردم در هر گوشه ای بهر دلیل گرد می‌آیند بلافاصله شما موج اعتراضات جمعی و فردی را که خواه ناخواه شما خود یکی از آنها خواهید بود به عینه میبیند

همانطور که قبلاً مفصل توضیح داده شده است آنچه در این میان جای آنرا حد اقل در شرایط کنونی خالی میبینم فعلا عدم وجود یک رهبری کاریزما و ضروری برای هژمونی. قدرتمند کمونیستی است. رفقا پیشرفت اوضاع انقلابی از ما میطلبد. خود را برای بدست آوردن رهبری این جنبش عظیم آماده کنیم باید متحد شد و ضربات مهلکی. به دشمن طبقاتی با ایجاد یک نظم پرولتری وارد کنیم تاریخ بصورت استمراری پیش می‌رود و تکرار نمیشود باید از گذشته آموخت.

زنده رزم راستین و قدرتمند کارگران و زحمت کشان پیروزی از آن مبارزین. پیگیر خواهد بود با بهترین درود های کمونیستی

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما

سروده ای از خانم دکتر صدیقه وسمقی

خانم صدیقه وسمقی یک روز پس از انتشار این شعر بازداشت شد.

این پول نان ماست،

که در ویرانه های دمشق

در کنار آرزوهای گزاف یک

قمارباز،

دفن می شود...

زنی در خیابان

به یک قرص نان

خود را می فروشد
آن سو ترک مردی
گرده نانی را
از دست عابری می رباید
ما گرسنه
در کوچه های غربت این شهر
پرسه می زنیم
و می دانیم
که دست های کثیفی
نان ما را
از سفره های مان ربوده است
این پول نان ماست ،
که در هزار توی دالان های پنهان
کیک زرد می شود
برای تزئین بساط بیداد!
پول نان ما ،
موشک هائی است
که به اسرائیل می رسد
زود تر از آنکه
آب و نان ،
به "ورزقان" و "اهر" برسد!
نگاه کن!
این پوکه های گلوله
این لاشه های تانک ،
پول نان ماست ،
که در خیابان های حمص ریخته است
!

این پول نان ماست ،
که در ویرانه های دمشق
در کنار آرزوهای گزاف یک قمارباز
دفن می شود
این پول نان ماست ،
که در کوچه های حلب
پیش چشم جنازه ها
برای یک بازنده هزینه می شود
بازنده ای که قبل از بازی باختن بود!
پول نان ما ،
بذره های دروغ و فساد است
که بر زمین پاشیده می شود
تا شاید برزگری خام اندیش
آرزوهای پوچ خود را
از آن درو کند
پول نان ما ،
هیزم هائیست که در هر سو
آتش می افروزد

و در آتش می سوزد

پول نان ما ،

تفنگ هائیست

که هدف های اشتباه را نشانه گرفته است

پول نان ما ،

پایگاه اتمی بوشهر است

که غبار یک عمر سفاقت حاکمان

بر آن نشسته است

پول نان ما ،

باچ هایی است

که در جیب های چین و روسیه

ورم کرده است!

پول نان ما ،

مزد سردارانی است

که سرها را به دار می کنند

و لب ها را می دوزند ،

تا گرسنگان نفهمند گرسنگی تقصیر کیست!

پول نان ما ،

منبری است

که واعظی ابله بر آن نشسته است

و به ما می آموزد ،

گرسنگی تقصیر خداوند است

گرسنگی ،

بشارت ظهور یک منجی است!

و ما می دانیم

این تقصیر ماست

که ابلهی بر منبر نشسته است

این تقصیر ماست

که خیره سری بر مسند نشسته است

ما می دانیم ،

محصول بذرهای دروغ و تزویر

و خارهای ترس و سکوت

جز قحطی نیست

پول نان ما را قماربازان ،

در قمارخانه های سیاست و قدرت

باخته اند

اکنون

ما مانده ایم و فرزندانمان ،

با آرزو های سبز و جوان

و خانه ای با تیرک نازک

آنقدر نازک

که به لرزیدنی فرو می ریزد

و ما زنده ،

زیر آوارهای آن می مانیم

هان !!

فردا که از خواب برخیزیم ،

ما را

و فرزندان ما را

و خانه ما را نیز

باخته اند.



حزب کمونیست راستین
ایران شکل سازمانی ایدئولوژی
پرولتاریاست

متن نامه "نرگس محمدی" از

زندان قرچک ورامین:

در مدت ۶۴ روزی که در سلولهای ۲۰۹ بودم پرونده ای برایم گشوده شد و با شتاب مورد رسیدگی، محاکمه و صدور حکم قرار گرفت که رفتاری سراسر خلاف قانون و مقررات، نامشروع و غیرانسانی و غیراخلاقی به شمار می آید.

۱۲ ساعت بعد از ورود به سلولهای انفرادی در بند ۲۰۹ نامه کتبی اجرای حکم هشتاد ضربه شلاق تعزیری، ۳۰ ماه حبس تعزیری توسط اجرای احکام و به دستور سرپرست دادسرا آقای نصیرپور به من ابلاغ شد. [پس از آن] اول آذرماه در شعبه دوم دادسرای مقدس توسط بازپرس محمود حاجی مرادی برای پرونده جدید تهمیم اتهام شدم.

سوم دی ماه بدون هیچ توضیح و اطلاعی برای آخرین دفاع به همان شعبه برده شدم و البته هیچ دفاعی نکردم و درخواست حضور وکیل کردم. البته از لحظه بازداشت در ۲۵ آبان ماه کتبا در حضور بازپرس علیرضا حسینی درخواست تماس و ملاقات با وکیل را دادم، که با آن

موافقت نشد.

بالاخره بدون دسترسی به وکیل و در حالی که ممنوع الملاقات بودم و در آن مقطع به مدت چهل روز از تماس تلفنی محروم بودم، پرونده طراحی و با شتاب مورد رسیدگی قرار گرفت و در تاریخ ۲۲ دی ماه در حالی که در سلول رها شده بودم و طبق اعلام وزارت اطلاعات هیچ گونه بازجویی نداشتم، به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برای محاکمه برده شدم.

در دادگاه درحالیکه در میان ماموران وزارت اطلاعات تنها بودم، بدون مطالعه پرونده و حضور وکیل ظرف مدت پنج دقیقه محاکمه شدم. [در آنجا] اعلام کردم که در این دادگاه هیچ دفاعی ندارم. رای دادگاه پس از دو روز یعنی ۲۵ دی ماه ابلاغ شد و کتباً نوشتم در خواست تجدید نظر و تسلیم به رای ندارم و آن را به رسمیت نمیشناسم.

طبق رای صادره در این پرونده به هشت سال و دو ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق، منع اقامت در تهران، منع عضویت در گروههای سیاسی اجتماعی، توقیف هرگونه رسانه در شبکه اجتماعی و حتی مخابراتی و ثبت و ضبط موبایلم محکوم شدم. رسیدگی به این پرونده فاقد جاهت قانونی و پروژه ای فریب کارانه، ظالمانه بود که در خفا و تحت انقیاد با حبس من در سلول بند امنیتی و به قصد بریدن صدای من از جامعه و محرومیت کامل از حق دفاع و اعتراض انجام شد.

آنچه مغرضانه و بی اساس بودن اتهامات و رسیدگی حکم این پرونده را روشن تر میکند مجرم شناخته شدن من به دلیل کاندید شدن برای جایزه صلح نوبل به معرفی عفو بین الملل

جمله عفو بین‌الملل و همچنین پارلمان اروپا این است که صدور این رای بیانگر موضع شفاف جمهوری اسلامی ایران در سرکوب صلح‌طلبان نه تنها در ایران بلکه در جهان است و جهان نباید نسبت به این سرکوب عریان صلح‌طلبان اغماض و چشم پوشی کند.
 نرگس محمدی
 دوشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۰
 زندان قرچک ورامین

شدن من برای دریافت جایزه صلح نوبل توسط عفو بین‌الملل نروژ به موجب فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حقوق‌بشری این جانب اقدامی علیه امنیت نظام و مستحق ۸ سال زندان ۷۴ ضربه شلاق بوده که ۶۴ روز در سلول‌های بند امنیتی حبس و رها شده بودم.

در پایان [حرف] من به نهادهای صلح طلب و حقوق‌بشری جهان از

نروژ است. این مساله نه تنها توسط نماینده وزارت اطلاعات در بند ۲۰۹ اعلام شد و آن را توطئه خارجی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران دانستند بلکه در اقدامی بهت‌انگیز و غیرقابل توجیه در سطر اول صفحه دوم رای صادره توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مورد تاکید قرار گرفته است.

سوال من از رییس قوه قضاییه و مجریه این است که آیا اعلام کاندیدا

پرولتاریای جهان متحد شوی!

پرولتاریا، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

حزب کمونیست راستین ایران را در پیوند جنبش کمونیستی با طبقه کارگر سازمان دهیم!

در جهت ایجاد حزب کمونیست راستین ایران، رویزیونیسم و تروتسکیسم را افشا کنیم

دغل‌کاری خرده بورژوازی را از صفوف خود بزدانیم

